

بررسی همخوانی برنامه درسی قصد شده درس تفکر و سبک زندگی پایه هشتم دوره اول متوسطه با برنامه درسی اجرا شده و کسب شده

محمدعلی جمالی فر^۱

دکتر سید شمس الدین هاشمی مقدم^۲

دکتر زهره عابدی کرجی بان^۳

دکتر علیرضا فقیهی^۴

چکیده

در پژوهش حاضر میزان همخوانی میان سه برنامه درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده درس تفکر و سبک زندگی پایه هشتم مورد مطالعه قرار گرفته است. این پژوهش از نوع توصیفی-پیمایشی است. جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری عبارت اند از: اسناد مربوط به راهنمای برنامه درسی، ۱۰ نفر متخصص موضوعی، ۱۵۵ نفر مربی که به صورت تصادفی خوشه ای انتخاب شدند، ۱۰ نفر ارزشیاب به صورت تصادفی برای مشاهده عملکرد آنها در کلاس درس و ۳۸۴ نفر از دانش‌آموزان پایه هشتم که به صورت تصادفی خوشه ای چند مرحله ای به منظور مشاهده رفتار و عملکرد انتخاب شده اند (هر منطقه آموزشی دو کلاس به صورت تصادفی) و ۱۹ نفر از سرگروه‌های آموزشی شهر تهران نیز انتخاب شده اند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که میان برنامه درسی قصد شده و کسب شده و همچنین برنامه درسی قصد شده و اجرا شده همخوانی چندانی وجود ندارد. اگرچه برنامه درسی نسبتاً مناسب است، اما در مرحله اجرا با مشکلات متعدد مانند ناکافی بودن آموزش معلمان، عدم دسترسی به امکانات مورد نیاز، سنگینی محتوا و... روبه‌رو است. با توجه به ضعفهای مشاهده شده و تحقق نیافتن اهداف راهکار مناسب برای کاهش این شکاف، طراحی مجدد برنامه با استفاده از موضوعات میان- رشته ای و توسعه آموزشهای ضمن خدمت در میان مربیان است.

کلید واژگان: برنامه درسی قصد شده، برنامه درسی اجرا شده، برنامه درسی کسب شده

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۷ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۱/۳۰

Jamalifar6532@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی اراک

S-hashemimoghadam@arak.ac.ir

۲. عضو هیات علمی دانشگاه اراک (نویسنده مسئول)

Zohreh.abedi.k@gmail.com

۳. عضو هیات علمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، وزارت آموزش و پرورش

Faghihialireza@yahoo.com

۴. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی اراک

مقدمه و بیان مسئله

در فرآیند طراحی، تولید و اجرای برنامه درسی معمولاً سه نوع برنامه درسی "برنامه درسی قصد شده، برنامه درسی کسب شده و برنامه درسی اجرا شده" مورد نظر است (احمدی ۱۳۸۰). برنامه درسی قصد شده عبارت است از: آرمانها، اهداف، محتوا و روشهای یاددهی-یادگیری، شیوه ارزشیابی و پیشرفت یادگیری در یک برنامه درسی (روبیاتیل^۱ و همکاران، ۱۹۹۳). این برنامه از سوی برنامه‌ریزان درسی، متخصصان و کارشناسان نظام آموزشی در سطح ملی تهیه و تدوین و به مدارس تجویز می‌شود. برنامه درسی قصد شده از طریق تحلیل کتابهای درسی، راهنمای برنامه، امتحانات، دستورالعملها و بخشنامه‌های رسمی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد (پیشین).

برنامه درسی اجرا شده، اجرای برنامه درسی در کلاس است که نیازمند پشتیبانی است و براساس برنامه درسی مورد نظر و تفسیر و برداشت معلمان از آن در مدرسه و کلاس درس اجرا می‌شود (اشمیت^۲ و همکاران، ۱۹۹۷). برنامه درسی کسب شده، انتظارات یادگیری است که از طریق به اجرا درآمدن برنامه درسی در مجموعه ای از دانش، مهارت، و نگرشها به وجود می‌آید. این برنامه اشاره دارد به نتایج حاصل از رویدادهایی که در داخل کلاس درس اتفاق می‌افتد. در گردآوری اطلاعات مرتبط با برنامه کسب شده از پرسشنامه نگرش‌سنج دانش آموز و نمونه سیاهه رفتار (چک لیست مشاهده رفتار) دانش آموز استفاده می‌شود (یوهانسن^۳، ۲۰۰۳).

همخوانی برنامه درسی حصول اطمینان در هماهنگی نزدیک و دقیق برنامه‌های درسی قصدشده، اجراشده و کسب شده است. ازاین رو در نزد پژوهشگران میزان همخوانی میان برنامه درسی قصد شده، کسب شده و اجرا شده به منظور رشد کیفی آن مطرح است (روبیاتیل و تیلور^۴، ۲۰۰۰). هنری که شامل شهود، ابتکارعمل و تصمیم‌گیری است.

از آنجا که در اکثر مدارس، هماهنگی کافی میان سه برنامه درسی مطرح شده وجود ندارد؛ لذا، مدیران و معلمان مدارس به آسانی نمی‌توانند این مسائل را از طریق ایجاد یک برنامه درسی منسجم و پایدار حل کنند (گلاتورن^۵ و همکاران، ۲۰۰۹). از این رو سعی دارند با نظارت بر فرآیند اجرای برنامه درسی تا حد امکان بتوانند ارتباط میان این سه مرحله را با یکدیگر تشخیص دهند تا از شکاف میان برنامه درسی قصد شده، برنامه درسی اجرا شده و برنامه درسی کسب شده

1. Robitaille
2. Schmidt
3. Johansson
4. Taylor
5. Glatthorn

بکاهند (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۸). به همین دلیل ناهمخوانی و فاصله میان این سه نوع برنامه چالشی اساسی است در برنامه ریزی درسی برای مدارس و به طور کلی نظام تعلیم و تربیت که باید دست اندرکاران آموزش و پرورش برای کاهش این ناهمخوانی کاری انجام دهند.

برنامه درسی تفکر و سبک زندگی، در جریان تغییر نظام آموزشی کشور، بر اساس اسناد تحولی آموزشی و پرورش (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰) و مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش (جلسه ۸۸۰ در تاریخ ۹۲/۲/۲۳) وارد جدول ساعات هفتگی دوره اول متوسطه شده است. از آنجا که درس تفکر و سبک زندگی یک برنامه جدید است پس از گفتگو با معاونت پرورشی آموزش و پرورش مقرر گردید تدریس این درس به مربیان و مشاوران دوره اول متوسطه واگذار شود. در عمل این مربیان از تجربه کافی برای تدریس برخوردار نبودند و به همین دلیل توصیه به برگزاری دوره‌های ضمن خدمت برای این مربیان شد. متأسفانه در موارد زیادی بازرسی‌ها نشان داد که برای پرکردن ساعت موظف هفتگی تدریس این درس به سایر دبیران غیر مرتبط واگذار شده است. همین امر احتمالاً موجب شده است که برنامه در اجرا از اهداف و انتظارات پیش بینی شده در برنامه قصد شده فاصله بگیرد و دانش آموزان به انتظارات یادگیری که در برنامه قصد شده و راهنمای معلم ارائه شده است، دست نیابند. بنابراین تحقیق درباره نقاط قوت و ضعف برنامه قصد شده، مشکلات اجرایی این درس در کلاسها و عواملی که موجب می‌شود این برنامه نتواند به انتظارات یادگیری تعیین شده در پنج حیطه تربیتی (تفکر و تعقل، ایمان، باور و اعتقاد، علم و آگاهی، عمل و رفتار و اخلاق) دست یابد، کاملاً ضروری است. این ضرورت از سوی برنامه‌ریزان درسی این حوزه یادگیری مورد تاکید قرار گرفته است (مصاحبه با اعضای شورای برنامه‌ریزی درسی آموزش تفکر و آداب و مهارت‌های زندگی، ۱۳۹۳). با توجه به نتایج ارزشیابی اولیه از اجرای آزمایشی این برنامه در سراسر کشور، اجرای این برنامه با مشکلات مختلفی مواجه است که نیاز دارد دقیق تر بررسی و برای رفع آن چاره اندیشی شود (تورانی، ۱۳۹۳).

مراجعه به پیشینه پژوهشها نشان می‌دهد که تنها یک پژوهش در زمینه برنامه درسی تفکر و سبک زندگی انجام شده که آن هم متمرکز بر ارزشیابی از برنامه درسی پایه هفتم بوده است (پیشین). درباره برنامه درسی پایه هشتم چنانچه پژوهشی انجام شده باشد تاکنون نتایج آن منتشر نشده است. سایر پژوهشهای انجام شده عمدتاً یا درباره یک برنامه درسی ایده آل در حوزه آداب و مهارت‌های زندگی بوده که مبنای طراحی برنامه درس قصد شده فعلی قرار گرفته است یا پژوهشهایی

بوده که بر تاثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر عملکرد دانش آموزان متمرکز شده است. مهم‌ترین آنها به شرح زیر است:

تورانی در پژوهش خود (۱۳۹۳) با عنوان "ارزشیابی از بسته آموزشی برنامه درسی تفکر و سبک زندگی پایه هفتم" به این نتیجه دست یافته است که معلمان دانش کافی درباره برنامه درسی تفکر و پژوهش ندارند، در بخش مهارتی نیز از صلاحیت لازم برای تدریس این درس برخوردار نیستند و نمی‌توانند توانمندیهای ذهنی و عملی لازم را در نیل به اهداف این درس در دانش آموزان ایجاد کنند. دانش آموزان نسبت به برنامه درسی تفکر و سبک زندگی نگرش خاصی پیدا نکرده‌اند. نتایج نشستهای هم‌اندیشی با معلمان این درس بیانگر این معنی است که هنوز رویکرد اصلی این درس که ایجاد فرصت برای تقویت مهارت‌های اساسی تفکر و کسب آداب و شایستگیهای فردی و اجتماعی است به طور دقیق برای آنها روشن نشده است. از نظر اجرای روشهای یاددهی-یادگیری ارائه شده در برنامه درسی دانش آموزان پیامهای آموزشی روشنی را از معلم دریافت نمی‌کنند و ارزشیابی بر اساس کتاب راهنمای معلم چندان مورد توجه نیست. این پژوهش حاکی از وجود مشکلات در برنامه درسی اجرایی و شکاف میان آن با برنامه درسی قصد شده است.

کریمی و فکری (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان "سنجش مهارت‌های زندگی دانش آموزان پایه اول متوسطه" به این نتیجه رسیده‌اند که میزان برخورداری دانش آموزان پایه اول در مهارت‌های تصمیم‌گیری، حل مسئله، تفکر انتقادی و برقراری روابط میان-فردی در حد متوسط و در دیگر مهارتها کمتر از حد متوسط است. بالاترین میزان برخورداری دانش آموزان در مهارت تفکر انتقادی و پایین‌ترین میزان برخورداری دانش آموزان در مهارت تفکر خلاق بوده است. این پژوهش بر برنامه درسی کسب شده در پایه اول متوسطه متمرکز شده است.

معافی و رون (۱۳۸۷) پژوهشی با عنوان "مبانی علمی برنامه درسی آداب و مهارت‌های زندگی" با بهره‌گیری از ۱۵ گزارش علمی و با روش فرا تحلیل در حوزه آداب و مهارت‌های زندگی با هدف ارائه یک طرح جامع در زمینه آموزش آداب و مهارت‌های زندگی انجام داده‌اند که بر اساس آن، موارد کلیدی مرتبط با آموزش آداب و مهارت‌های زندگی را به صورت زیر پیشنهاد کرده‌اند: آداب و مهارت‌های اخلاقی، آداب و مهارت‌های اجتماعی، آداب و مهارت‌های شخصی، آداب و مهارت‌های خانوادگی، آداب و مهارت‌های میان-فردی، آداب و مهارت‌های شهروندی، مهارت‌های زیست محیطی، مهارت‌های سلامت جسمانی، مهارت‌های رسانه‌ای، مهارت‌های جهانی و مهارت‌های فناوری. این پژوهش مبنای طراحی برنامه قصد شده فعلی بوده است.

کرد نوقابی و شریفی (۱۳۸۴) در یک پژوهش تجربی با عنوان "تهیه و تدوین برنامه درسی مهارت‌های زندگی برای دانش‌آموزان دوره تحصیلی متوسطه" به این نتیجه رسیدند که آموزش مهارت‌های خود-آگاهی، ارتباط مؤثر، روابط میان-فردی، مقابله با استرس، تصمیم‌گیری، حل مسئله، تفکر انتقادی و تفکر خلاق، از نظر مخاطبان از اولویت بیشتری برخوردارند. آموزش این مهارت‌ها تفاوت‌های معنادار را در همه مهارت‌ها موجب شده است. همچنین تحلیل واریانس یک طرفه روی نمرات دانش‌آموزان در پایه‌های تحصیلی متفاوت، تفاوت‌های معناداری را در مهارت‌های مقابله با استرس و ارتباط مؤثر میان-فردی نشان داده است. این پژوهش نوعی تاکید بر مؤثر بودن این نوع از آموزش‌ها بر رفتار دانش‌آموزان است.

اسماعیل‌زاده و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان "مطالعه تطبیقی برنامه مهارت‌های زندگی دوره ابتدایی کشور ایران با چند کشور جهان" به این نتیجه رسیدند که برنامه مهارت‌های زندگی ایران دارای نقاط قوتی چون توجه به مسائل معنوی، خود آگاهی، ارزش‌های اخلاقی، کنترل هیجانات، مهارت‌های موفقیت تحصیلی و کنترل نفس و توجه به حجب و حیا است که در برنامه سایر کشورها (آمریکا، کانادا، هند، ویتنام و مالزی) کمتر به آنها پرداخته شده است و این در حالی است که در برنامه مهارت‌های زندگی ایران به شاخصهایی چون مهارت‌های ارتباطی، هدف‌گزینی و برنامه‌ریزی، خلاقیت و تفکر انتقادی کمتر توجه شده است. این پژوهش نیز متمرکز بر برنامه درسی قصد شده در کشورهای مورد مطالعه است.

در جمع‌بندی کلی از یافته‌های پژوهشی می‌توان نتیجه گرفت که دو پژوهش بر برنامه درسی قصد شده، یک پژوهش بر برنامه درسی اجرا شده و یک پژوهش بر برنامه درسی کسب شده متمرکز بوده است. اما در خصوص ارتباط میان سه برنامه درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده در پایه هشتم به دلیل نبودن آن کاری انجام نشده است. بدین لحاظ پژوهش حاضر نخستین پژوهش است که اولاً میزان همخوانی بین سه نوع برنامه درسی قصد شده، برنامه درسی اجرا شده و برنامه درسی کسب شده درس تفکر و سبک زندگی را در پایه هشتم به شیوه‌ای نظام‌مند مورد بررسی قرار می‌دهد و ثانیاً میزان تحقق آن را در چهار عنصر اساسی برنامه درسی "هدف، محتوا، روش‌های یاددهی-یادگیری و ارزشیابی" به منظور کاهش چالش‌ها مورد بررسی و ارزشیابی قرار می‌دهد. این پژوهش در پی پاسخگویی به سؤالات زیر است:

۱. آیا بین برنامه درسی اجرا شده و قصد شده درس تفکر و سبک زندگی پایه هشتم همخوانی

وجود دارد؟

۲. تا چه اندازه بین برنامه درسی کسب شده و اجرا شده درس تفکر و سبک زندگی پایه هشتم همخوانی وجود دارد؟
۳. آیا بین برنامه درسی کسب شده و قصد شده درس تفکر و سبک زندگی پایه هشتم همخوانی وجود دارد؟
۴. الگوی مناسب برای کاهش فاصله بین برنامه درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده برنامه درسی تفکر و سبک زندگی چیست؟

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری این پژوهش با توجه به رویکرد آن عبارت اند از: (۱) اسناد مربوط به راهنمای برنامه درسی، کتاب راهنمای معلم و کتاب درسی درس تفکر و سبک زندگی پایه هشتم، (۲) متخصصان موضوعی برنامه درسی درس تفکر و سبک زندگی که در این تحقیق کل جامعه آماری مورد مطالعه قرار گرفتند به تعداد ۱۰ نفر (۳) مربیان درس تفکر و سبک زندگی پایه هشتم مناطق آموزشی شهر تهران که بر اساس جدول مورگان به تعداد ۱۵۵ نفر از مناطق یک، پنج، شش، دوازده و هفده شهر تهران به روش تصادفی خوشه ای انتخاب و ۱۰ نفر نیز برای مشاهده عملکرد معلمان در کلاس درس به صورت تصادفی انتخاب شدند، (۴) دانش‌آموزان پایه هشتم دوره اول متوسطه در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ که براساس جدول مورگان ۳۸۴ نفر به روش تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای برای مشاهده رفتار و عملکرد انتخاب شدند (هر منطقه دو کلاس پسرانه و دخترانه به صورت تصادفی) و (۵) سرگروه‌های آموزشی شهر تهران که در این پژوهش کل جامعه آماری مورد بررسی قرار گرفتند به تعداد ۱۹ نفر.

ابزار پژوهش

در این پژوهش بر اساس داده‌های مورد نیاز تحقیق، هفت ابزار اندازه‌گیری به کار رفته است که عبارت اند از:

۱. پرسشنامه مربوط به سنجش نظر مربیان نسبت به برنامه درسی قصد شده بر پایه نظرات و پیشنهادات اساتید برنامه ریزی درسی و علوم تربیتی دانشگاهی و چندین نفر از معلمان با تجربه تهیه شده و اعتبار آن به روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۲ بوده است که بیانگر اعتبار و پایایی مناسب ابزار است.

۲. پرسشنامه سنجش نظر مربیان نسبت به برنامه درسی اجرا شده درس تفکر و سبک زندگی بر پایه نظرات و پیشنهادات اساتید برنامه درسی و علوم تربیتی دانشگاهی تهیه شده و اعتبار آن به روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۷ بوده است که بیانگر اعتبار و پایایی مناسب ابزار است.

۳. نمون برگ مشاهده نحوه تدریس مربی در کلاس درس مربوط به برنامه درسی اجرا شده بر پایه نظرات استادان راهنما، مشاور و متخصص روان سنجی تهیه شده و اعتبار آن به روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۵ بوده است که بیانگر اعتبار و پایایی مناسب ابزار است.

۴. فرم نگرش سنج مربوط به سنجش نگرش دانش آموزان نسبت به برنامه درسی کسب شده بر پایه نظرات استادان راهنما، مشاور و متخصص روان سنجی تهیه شده و اعتبار آن به روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۳ بوده است که بیانگر اعتبار و پایایی مناسب ابزار است.

۵. نمون برگ مشاهده عملکرد دانش آموزان و بازخورد رفتاری آنان مربوط به برنامه درسی کسب شده بر پایه تأیید استادان و راهنما و مشاور و متخصص روان سنجی تهیه شده و اعتبار آن به روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۳ بوده است که بیانگر اعتبار و پایایی مناسب ابزار است.

۶. فرم مصاحبه با متخصصان موضوعی برنامه درسی تفکر و سبک زندگی برپایه تأیید استادان مشاور و متخصص روان سنجی تهیه شده است.

۷. نظر سنجی برای آگاهی از نظرات سرگروه های آموزشی "گروه های کانونی" درباره مشکلات کتاب درسی درس تفکر و سبک زندگی پایه هشتم بر پایه تأیید اساتید برنامه درسی و متخصصان ارزشیابی دانشگاهی و چندین نفر از معلمان با تجربه تهیه شده است.

در این مطالعه مؤلفه های هریک از برنامه های درسی که مورد بررسی قرار گرفته اند، عبارت اند از:

۱. برنامه درسی قصد شده (شامل آگاهی از رویکرد برنامه درسی، آگاهی از اهداف، آگاهی از محتوای برنامه درسی و آگاهی از شیوه های ارزشیابی).

۲. برنامه درسی اجرا شده شامل:

الف) مؤلفه های برنامه درسی (پیگیری اهداف، پی گیری محتوا، پیگیری روش های یاددهی، پیگیری شیوه ارزشیابی)،

ب) برگزاری دوره های آموزشی (شامل اثر بخشی دوره، قابلیت درک محتوای دوره، توانمندی مدرسان و میزان مفید بودن محتوای دوره).

۳. مؤلفه‌های نمون برگ مشاهده برنامه درسی اجرا شده (شامل پیگیری اهداف در اجرا، پیگیری محتوا در اجرا، پیگیری روشهای یاددهی- یادگیری در اجرا، پیگیری و شیوه‌های ارزشیابی در اجرا).

۴. برنامه درسی کسب شده پرسشهای فرم نگرش سنج از دانش‌آموزان با توجه به حیطه‌های پنجگانه تربیتی اهداف و محتوا (شامل حیطه تفکر و تعقل، ایمان و باور و علائق، علم و آگاهی، مهارتی (عمل) و اخلاق).

۵. برنامه درسی کسب شده پرسشهای نمون برگ مشاهده عملکرد دانش‌آموزان با توجه به حیطه‌های پنجگانه تربیتی فوق الذکر.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-پیمایشی و روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و میدانی بوده است. اطلاعات از نمونه‌های آماری با ابزارهایی مانند (پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده عملکرد معلمان و دانش‌آموزان) گردآوری شده است. پرسشنامه‌ها از نوع سؤالات بسته و باز بوده و مصاحبه با استفاده از سؤالات ساختارمند انجام شده است. روش مشاهده به این ترتیب بوده که برای مشاهده عملکرد معلمان از پنج منطقه تهران ده کلاس (هر منطقه دو کلاس) انتخاب شده است. در مجموع ۱۰ نفر مشاهده گر انتخاب شد. مشاهده گران پس از آشنایی با نمون برگهای مشاهده، هرکدام در ۵ جلسه و با فاصله‌های معین در طول نیمسال دوم تحصیلی عملکرد ۶ دانش‌آموز (۳ پسر و ۳ دختر) را مورد بررسی قرار داده اند. به منظور اطمینان از صحت یافته ها با مدیران، مربیان و مشاوران نیز مصاحبه به عمل آمده است.

یافته‌های پژوهش

به منظور تجزیه و تحلیل ویژگیهای جمعیت شناختی گروههای مورد مطالعه، از روشهای آماری توصیفی و به منظور تجزیه و تحلیل پاسخ پرسشنامه، از روشهای آمار استنباطی از قبیل آزمونهای پارامتری نسبت (برای مقایسه نسبت یک گروه با نسبت ملاک) و t مربوط به یک گروه مستقل (برای مقایسه میانگین گروه مورد مطالعه با میانگین ملاک) استفاده شده است.

سؤال اول پژوهش: تا چه اندازه بین برنامه درسی اجرا شده و قصد شده در تفکر و سبک زندگی پایه هشتم همخوانی وجود دارد؟

جدول ۱. آزمون t نسبت نظر مربیان در زمینه اهداف و محتوای برنامه درسی درس تفکر و سبک زندگی

مؤلفه ها		آزمون کلموگروف اسمیرنوف		آزمون نسبت	
		Z	سطح معناداری	t	سطح معناداری

اهداف کلی برنامه درسی	۳/۶۴	$P < 0/01$	۰/۸۱	$P > 0/05$
محتوای کتاب بر پایه نیازهای دانش آموزان	۳/۱۳	$P < 0/01$	۳/۰۷۷	$P > 0/05$
تناسب محتوای کتاب با زمان آموزش	۲/۹۸۵	$P < 0/01$	۳/۶۶۵	$P > 0/05$
محتوای کتاب با امکانات کلاس درس	۳/۵۱۷	$P < 0/01$	۶/۵۴۷	$P > 0/05$

داده‌های جدول ۱ نشان می‌دهد که میزان آگاهی مربیان از هدفهای کلی برنامه درسی به‌طور معنادار کمتر از حد مورد قبول است ($z=3/64p<0/01, t=0/81p>0/05$). همچنین محتوای کتاب با نیازهای دانش آموزان، زمان آموزش و امکانات کلاس درس همخوانی ندارد ($z=3/13p0/01, t3/077$). همچنین مقدار t محاسبه شده از t مبین در درجه آزادی ۱۰۶ با اطمینان ۹۵٪ (۱/۹۸) بزرگتر است. در نتیجه می‌توان گفت اکثریت مربیان نظر داده اند که محتوای کتاب تفکر و سبک زندگی به طور معنادار کمتر از حد قابل قبول بر پایه نیازها، علایق و تجارب دانش آموزان تدوین شده است. احتمالاً دلیل آن را باید در کم توجهی به مواردی چون اصول طراحی برنامه ریزی درسی مندرج در سند برنامه‌درسی ملی، کمبود امکانات مانند رایانه برای نمایش کلیپ ها و فیلمهای آموزشی و کتابهای قصه دانست. البته این کمبودها در بخش تفکر بیشتر به چشم می خورد.

جدول ۲. آزمون t نسبت نظر مربیان در زمینه روش تدریس برنامه درسی درس تفکر و سبک زندگی

مؤلفه ها	آزمون کلموگروف-اسمیرنف		آزمون نسبت	
	Z	سطح معناداری	t	سطح معناداری
میزان اطلاع از روشهای تدریس برنامه درسی	۲/۲۶۱	$P < 0/01$	۷/۵۹۶	$P > 0/05$
تناسب روشهای تدریس با اهداف	۳/۳۹۴	$P < 0/01$	۲/۵۲۱	$P > 0/05$
تناسب روشهای تدریس با محتوا	۳/۳۶۶	$P < 0/01$	۲/۵۲۱	$P > 0/05$
قابلیت اجرایی روشهای تدریس در کلاس	۲/۹۹۴	$P < 0/01$	۵/۰۲۱	$P > 0/05$

داده‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که میزان آگاهی مربیان از روشهای تدریس برنامه درسی به طور معنادار کمتر از حد مورد قبول است ($z=2/261p<0/01, t=7/596p>0/05$). همچنین محاسبه شده تناسب روش تدریس با اهداف، محتوا و قابلیت اجرایی روشهای تدریس در کلاس درس ($t=2/521, t=251, t=5/021p>0/05$) از مقدار t مبین در درجه آزادی ۱۰۶ و در مواردی ۱۰۵ با اطمینان ۹۵٪ (۱/۹۸) بزرگتر است. لذا می‌توان چنین اظهار داشت که آگاهی اکثریت مربیان از روشهای تدریس محتوای کتاب درس تفکر و سبک زندگی به طور معنادار کمتر از حد قابل قبول است و اکثریت آنان بر این باورند که تناسب روشهای تدریس با هدفهای کلی و محتوای برنامه درسی و قابلیت اجرایی آنها در کلاس درس به طور معنادار کمتر از حد قابل قبول است. به نظر می رسد که دلیل بروز این وضعیت این است که معلمان به سبب عدم مطالعه کتاب راهنمای

معلم آگاهی لازم را از روش تدریس دروس ندارند. شاید هم به این علت که معلمان این درس، اغلب مربیان پرورشی هستند که سالها درگیر فعالیتهای فوق برنامه بوده اند و زمینه تجربه و تحصیل آنها کمتر با محتوای این برنامه مرتبط است، از این رو می توان گفت اغلب آنها در به کارگیری روشهای تدریس در کلاس درس مشکل دارند.

جدول ۳. آزمون t نسبت نظر مربیان در زمینه اطلاع از روشها و ابزارهای ارزشیابی پیش بینی شده درس تفکر و سبک زندگی

مؤلفه ها		آزمون کلموگروف اسمیرنوف		آزمون نسبت	
		Z	سطح معناداری	t	سطح معناداری
اطلاع از روشها و ابزارهای ارزشیابی		۲/۲۹۴	$P < ۰/۰۱$	۵/۶۳۷	$P > ۰/۰۵$
مناسب بودن روش و ابزارها برای قضاوت درباره تحقق بخشیدن به هدفها		۳/۱۶۴	$P < ۰/۰۱$	۵/۴۳۸	$P > ۰/۰۵$
مناسب بودن روش و ابزارها برای قضاوت درباره عناصر برنامه درسی		۳/۲۰۵	$P < ۰/۰۱$	۵/۰۱	$P > ۰/۰۵$
تناسب روش و ابزارهای ارزشیابی با روشهای تدریس		۳/۲۵۵	$P < ۰/۰۱$	۳/۴۶۵	$P > ۰/۰۵$
قابلیت اجرایی روشها و ابزارهای ارزشیابی در کلاس		۳/۱۰۱	$P < ۰/۰۱$	۴/۲۴۴	$P > ۰/۰۵$
میزان ارتباط و هماهنگی دو بخش کتاب		۳/۰۵۹	$P < ۰/۰۱$	۳/۶۶۵	$P > ۰/۰۵$
مناسب بودن تقسیم بندی کتاب (سه بخش)		۲/۹۴۴	$P < ۰/۰۱$	۱/۹۷	$P > ۰/۰۵$

داده های جدول ۳ نشان می دهد که میزان آگاهی مربیان از روشها و ابزارهای ارزشیابی پیش بینی شده درس تفکر و سبک زندگی به طور معنادار کمتر از حد مورد قبول است ($z=2/294p<0/01, t=5/737p>0/05$)، همچنین t محاسبه شده مناسب بودن روش و ابزارها برای قضاوت درباره تحقق هدفها، مناسب بودن روش و ابزارها برای قضاوت درباره عناصر برنامه درسی، تناسب روش و ابزارهای ارزشیابی با روشهای تدریس و قابلیت اجرایی روشها و ابزارهای ارزشیابی در کلاس درس ($t=5/438, t=5/01, t=3/465, 4/244p0/05$) از مقدار t مبین در درجه آزادی ۱۰۶ با اطمینان ۹۵٪ ($1/98$) بزرگتر است. لذا می توان اظهار داشت که اکثریت مربیان به طور معنادار نظر داده اند که تناسب روش و ابزارهای ارزشیابی برای قضاوت درباره تحقق هدفهای کلی، عنصر عمل و عنصر ایمان کمتر از حد قابل قبول است و تناسب روش و ابزارهای ارزشیابی با روشهای تدریس و قابلیت اجرایی آنها در کلاس درس نیز کمتر از حد قابل قبول است. همچنین مقادیر t محاسبه شده مربوط به میزان و ارتباط و هماهنگی دو بخش کتاب و مناسب بودن تقسیم کتاب به سه بخش الزامی، انتخابی و غیر الزامی ($3/665$) و $1/97$ مشاهده شده) از مقدار t مبین در درجه آزادی ۱۰۶ با اطمینان ۹۵٪ ($1/98$) بزرگتر است. پس می توان این گونه نتیجه گرفت که اکثریت مربیان به طور معنادار معتقدند که میزان ارتباط و هماهنگی دو بخش کتاب (تفکر و پژوهش و آداب و مهارتهای زندگی) و مناسب بودن تقسیم کتاب به سه

بخش الزامی، انتخابی و غیر الزامی کمتر از حد قابل قبول است. با توجه به نتایج به دست آمده از نظر مربیان درباره برنامه درسی قصد شده و اجرا شده می‌توان گفت برنامه درسی قصد شده با برنامه درسی اجرا شده همخوانی ندارد. این ناهمخوانی احتمالاً ناشی از عدم آگاهی معلمان از فلسفه انتخاب نوع ارزشیابی با توجه به نوع اهداف، مانوس بودن معلمان با ارزشیابی قلم - کاغذی (امتحان کتبی) و سهولت به کارگیری این نوع ارزشیابیها، نداشتن مهارت در به کارگیری ابزارهای نوین ارزشیابی و تنوع این ابزارها و ترجیح دادن انجام یک ارزشیابی صوری که مستلزم صرف انرژی کمتری از سوی معلمان است، تلفیق دو نوع برنامه که تجانس کمتری دارند در یک کتاب به دلیل جلوگیری از افزایش تعداد کتابها در دوره تحصیلی، رعایت ساختار سه گانه الزامی، اختیاری و غیر الزامی با توجه به سند رهنامه برنامه درسی به شرح مبانی نظری سند تحول در آموزش و پرورش عمومی جمهوری اسلامی ایران از سوی برنامه ریزان درسی (که عمدتاً این دو گروه برنامه - ریزی درسی خود را بدان متعهد دانسته اند و بقیه گروههای درسی از آن غفلت کرده اند) از دلایلی هستند که این سیاستها و رویکردها کمتر از سوی مربیان مورد تایید قرار گرفته است.

سؤال دوم پژوهش: تا چه اندازه بین برنامه درسی کسب شده و اجرا شده درس تفکر و سبک زندگی پایه هشتم همخوانی وجود دارد؟

در پاسخ به این سؤال، هفت مؤلفه درباره کار آمدی شیوه تدریس مربیان (شامل: استفاده از منابع و مواد آموزشی، فعالیتهای مربوط به تدریس، ایجاد انگیزه در دانش آموزان، فعالیتهای مربوط به ارزشیابی، فعالیتهای یادگیری دانش آموزان، آموزش در زمان تعیین شده و مفید بودن محتوای دوره تامین مدرس) و پنج مؤلفه درباره موثر بودن محتوا در تغییر نگرش و تغییر رفتار و عملکرد دانش آموزان (شامل: تفکر و تعقل، ایمان و باور و علائق، علم و آگاهی، مهارت و اخلاق) با استفاده از مقیاس سه درجه ای (کمتر از حد قابل قبول، درحد قابل قبول و بیشتر از حد قابل قبول) مورد ارزیابی قرار گرفت. در این بررسی کلیه مشاهده گران در پاسخ به مؤلفه‌های کار آمدی شیوه تدریس محتوا درجه در حد قابل قبول (متوسط) را بر گزیدند.

از نظر مشاهده گران، مربیان در جریان تدریس، آماده کردن مواد و منابع آموزشی و استفاده از وسایل کمک آموزشی را در فرآیند تدریس درحد قابل قبول انجام داده اند. در جریان تدریس، مربیان همه فعالیتهای مربوط به تدریس (شامل تهیه طرح درس، تدریس بر اساس اهداف و محتوا، توضیح هدفها برای دانش آموزان قبل از تدریس، گروهبندی دانش آموزان برای فعالیتهای گروهی، تدریس مطالب از ساده به پیچیده، نظارت و بحث در مورد انجام دادن فعالیتهای دانش آموزان و

بازدید علمی) را در حد قابل قبول به انجام رسانده اند. برای ایجاد انگیزه در دانش آموزان عوامل و شرایط گوناگون (مانند استفاده از تصاویر کتاب، طرح سؤال درباره موضوعات کتاب، ایجاد انگیزه برای یادگیری و استفاده از مواد و منابع آموزشی) را در کلاس درس فراهم کرده اند و فعالیتها و اقدامات مربوط به ارزشیابی را به صورت فرآیندی و پایانی (شامل ارزشیابی تشخیصی، بررسی تکالیف، دریافت و مطالعه فعالیتهای دانش آموزان، ارائه بازخورد به دانش آموزان، ارزشیابی از طریق قضاوت دانش آموزان، ارزشیابی از طریق نمودن برگ، ارزشیابی از طریق پرسشهای کتبی و منطبق با آموزشهای ارائه شده در کلاس درس) در حد قابل قبول به اجرا درآورده اند. آنان هدایت فعالیتهای یادگیری دانش آموزان (از طریق تبادل نظر در گروه، تشویق به طرح سؤال و بحث درباره مطالب و تفسیر مطالب درسی از سوی دانش آموزان) را در کلاس در حد قابل قبول به انجام رسانده اند. همچنین در جریان تدریس، محتوای در نظر گرفته شده را به صورت مستقیم و غیرمستقیم در زمان تعیین شده به انجام رسانده اند. همچنین مربیانی که در دوره تأمین مدرس شرکت کرده اند درباره مفید بودن محتوای دوره تامین مدرس مربوط به درس تفکر و سبک زندگی پایه هشتم چنین نظر داده اند که محتوای آموزشی دوره غیر از بازدید علمی، ارزشیابی تشخیصی، تهیه آزمون عملکردی، نحوه اجرای روشهای ارزشیابی و به کارگیری امکانات و منابع آموزشی کمتر از حد قابل قبول برای آنان مفید بوده است. دلیل اینکه مربیان کارآمدی دوره ضمن خدمت را در زمینه آشنایی با شیوه ارزشیابی و ابزارهای آن در حد کم برآورد کرده اند، کوتاهی زمان دوره ضمن بوده است.

در پاسخ به موثر بودن برنامه در تغییر نگرش دانش آموزان و مؤلفه‌های آن باید اشاره کرد که از نظر مشاهده‌گران چهار مؤلفه تفکر و تعقل، ایمان و باور و علاقه، مهارت و اخلاق در حد قابل قبول، اما مؤلفه علم و آگاهی کمتر از حد قابل قبول تحقق یافته است.

این بررسی نشان داد که در زمینه مؤلفه‌های خردتر تغییر نگرش مانند استفاده از قدرت تعقل و تفکر در بررسی یک موضوع و علاقه به استفاده از تجارب و اطلاعات جدید تغییر نگرش در بیشتر دانش آموزان در حد قابل قبول بوده است. اما در مؤلفه‌های علاقه بیشتر به زیباییهای محیط، لذت بردن از مطالعه کتاب و بهره‌گیری از نظر دیگران و علاقه‌مندی به کسب عادات در حد کمتر از قابل قبول از سوی دانش آموزان تحقق یافته است. از سویی هم، نگرش آنان در علاقه در به‌کارگیری روشهای منطقی برای حل مساله در حد قابل قبول است. همچنین نگرش دانش آموزان در مؤلفه‌های علاقه‌مندی به کسب اطلاع درباره جنبه‌های ظاهری و معنوی انسان، علاقه به

نگهداری افراد بزرگسال و علاقه‌مندی به برادر و خواهر کوچک‌تر و انجام کار گروهی در حد قابل قبول بوده است. از سویی هم، نگرش دانش‌آموزان درباره دوست داشتن، افزایش ارزشهای وجودی خود و افزایش اعتماد به نفس در حد بیشتر از قابل قبول است. در حالی که نگرش آنان از مؤلفه‌های دوست داشتن، آشنا شدن با اثرات کارهای بد و پر خطر، لذت بردن در حضور جمع و دوری از عصبانیت و علاقه‌مندی به کمک رسانی به دیگران در حد قابل قبول است و در مؤلفه‌هایی مانند علاقه‌مندی به مطالعه سرگذشت دیگران و مطالعه درباره ابعاد مختلف رشد خود کمتر از حد قابل قبول است. تغییر نگرش دانش‌آموزان در مؤلفه رعایت آداب حضور در جمع، بالاتر از حد قابل قبول و در مؤلفه‌های دوست داشتن، افزایش سواد رسانه‌ای، کنترل خواسته‌های فردی و دوری از حسادت و رعایت آداب سفر نگرش دانش‌آموزان در حد قابل قبول است. تغییر نگرش دانش‌آموزان در مؤلفه علاقه‌مندی به انجام دادن کارهای پژوهشی و علاقه‌مندی به شرکت در اردوها و بازدیدهای علمی کمتر از حد قابل قبول است، اما در مقوله علاقه‌مندی به انجام دادن کارهای خوب در حد قابل قبول است. بنابراین، می‌توان چنین اظهار نمود که نتایج به‌دست آمده از تغییر نگرش دانش‌آموزان در پنج حیطه تفکر و تعقل، ایمان، باور و علائق، علم و آگاهی، عمل و اخلاق در حوزه تفکر و پژوهش (بخش اول کتاب پایه هشتم) کمتر از حد قابل قبول است، اما در بخش آداب و مهارت‌های زندگی تغییر نگرش در حد قابل قبول یا بیشتر از آن صورت گرفته است. دلیل اینکه تغییر در اهداف نگرشی بخش تفکر و پژوهش چندان مطلوب نبوده این است که یا محتوای این بخش بالاتر از سطح سنی فراگیران بوده است و یا اهداف و روش تدریس این بخش از برنامه به خوبی درک نشده است. احتمال دیگر سنگینی و حجم زیاد محتوای آن اجرای آن نیاز به زمان بیشتری داشته است. دلیل تحقق یافتن اهداف نگرشی بخش آداب و مهارت‌های زندگی احتمالاً تناسب موضوعات با سطح شناختی دانش‌آموزان، توجه به نیازهای فراگیر، مرتبط بودن با زندگی روزمره و سهولت در تدریس این بخش از کتاب است.

مشاهده‌گران در پاسخ به تأثیر محتوا و آموزش در عملکرد و رفتار دانش‌آموزان، تأثیر محتوای برنامه در عملکرد رفتاری دانش‌آموزان در حیطه تفکر و تعقل، مهارت و اخلاق را در حد قابل قبول و ایمان و باور و علم و آگاهی را بیشتر از حد قابل قبول بر شمرده‌اند.

این بررسی نشان داد که از نظر مشاهده‌گران، دانش‌آموزان در زمینه مؤلفه‌های خردتر عملکرد و رفتار، توانایی در مورد توضیح درباره ویژگی‌های پوشش اقوام ایرانی در حد قابل قبول، اما در بیان نقش حواس پنجگانه با استفاده از مثال، نوشتن یک موضوع برای بررسی و در قالب سؤال، بیان

هدف یک طرح پژوهشی، پیدا کردن دلیل مشکل و فکر کردن به پیامدهای تصمیم‌گیریهای خود تحقق اهداف در حد کمتر از قابل قبول هستند. همچنین در مؤلفه‌هایی مانند انجام دادن وظایف محوله در کار پژوهشی، در حد بیشتر از قابل قبول تحقق یافته است. دوستی والدین در حد بالاتر از حد قابل قبول، اما دوست داشتن همکلاسیها در حد قابل قبول ظاهر شده اند. از سویی نیز عملکرد دانش‌آموزان در مؤلفه‌هایی مانند داشتن هدف برای تحصیل، ظاهر شدن در جمع با لباس نامناسب، نداشتن دوستان اهل قلیان و سیگار، درس خواندن برای آینده کشور و انتخاب مناسب‌ترین راه بعد از مشورت در حد مطلوب بوده اند. اما در مؤلفه‌هایی مانند عدم کاهش علاقه در صورت شکست در امتحان و کسب اطلاعات کافی قبل از تصمیم‌گیری دارای عملکرد در حد قابل قبول هستند.

در خرده مؤلفه‌هایی مانند گردآوری اطلاعات از طریق اینترنت، انجام دادن مطمئن کارها و اطمینان به تواناییهای خود دارای عملکردی در حد بیشتر از قابل قبول هستند. اما در مؤلفه‌هایی مانند گردآوری مطالب روزنامه دیواری، مراجعه به کتاب و مجله، منبع‌نویسی، گردآوری اطلاعات از تجارب دیگران، تدوین پرسشنامه کوتاه برای گردآوری اطلاعات، در گوشی صحبت نکردن در جمع، عذرخواهی در صورت ارتکاب اشتباه، تکان دادن سر برای نشان دادن توجه به دیگران، آگاه بودن از اثرات مثبت و منفی رسانه‌ها، بستن کمربند ایمنی در ماشین، راضی بودن از قد و چهره خود، ناراحت نشدن از موفقیت دوستان و پیدا کردن دلیل آن، آرام کردن طرف مقابل در بروز اختلاف و اجتناب از پرخاشگری و درگیری، احترام به نویسندگان، مسخره نکردن دیگران، صحبت نکردن در کلاس درس بدون مقدمه، پشت سر دیگران حرف زدن و مؤدب بودن با دیگران دارای عملکردی در حد قابل قبول هستند. تحقق اهداف عملکردی در دو بخش تفکر و پژوهش و آداب و مهارتهای زندگی با توجه به حیطه‌های پنجگانه تربیتی (تفکر و تعقل، ایمان و باور، علائق، علم و آگاهی، عمل و اخلاق)، احتمالاً ناشی از تناسب اهداف با سطح سنی فراگیر، علاقه‌مندی به تحقیق و جستجوگری، جاذبه اینترنت و سهولت در گردآوری اطلاعات، علاقه دانش‌آموزان به موضوعات ارزشی و اخلاقی و موثر بودن این نوع از آموزشهاست که در منش و رفتار دانش‌آموزان قابل مشاهده است. بنابراین می‌توان اظهار داشت برنامه درسی اجرا شده و کسب شده درس تفکر و سبک زندگی پایه هشتم دوره اول متوسطه در بیشتر موارد تا حدودی با هم همخوانی دارند.

سؤال سوم پژوهش: تا چه اندازه بین برنامه درسی کسب شده و قصد شده درس تفکر و سبک زندگی پایه هشتم با برنامه درسی همخوانی وجود دارد؟

برای پاسخ به این پرسش از آزمون t استفاده شده است.

جدول ۴. شاخصهای مربوط به یافته های ارزشی / نگرشی

شاخص	مقدار	شاخص	مقدار
تعداد	۲۷۶	درجه کجی	-۰/۶۶۴
میانگین	۸۱/۵۸	خطای معیار درجه کجی	۰/۱۴۷
خطای معیار میانگین	۰/۹۹۶	حداقل نمره	۳۱
میانه	۸۳/۵	حداکثر نمره	۱۱۲
نما	۹۶	دامنه تغییرات	۸۱
انحراف معیار	۱۶/۵۴۴	میانگین ملاک	۹۸
واریانس	۲۷۳/۷۰۶		

جدول ۵. شاخصهای آزمون t مربوط به مقایسه میانگینهای تجربی و ملاک نمره های فرم ارزش / نگرش

شاخص	میانگین	تعداد	درجه آزادی	مقدار t محاسبه شده	نتیجه
نوع میانگین	۸۱/۵۸	۲۷۶	۲۷۵	-۱۶/۴۸۵	$P < ۰/۰۵$
	۹۸				

براساس داده های جدول ۴، مقایسه میانگین تجربی نمره های دانش آموزان با توجه به فرم ارزش / نگرش سنج درس تفکر و سبک زندگی با میانگین ملاک (تحقق ۷۰ درصد از کل نمره فرم مذکور) (حسنی، ۱۳۹۰) نشان می دهد که اهداف ارزشی / نگرشی به طور معنادار کمتر از حد قابل قبول تحقق یافته است. همچنین جدول ۴ نشان می دهد که مقدار t محاسبه شده به طور معنادار بزرگ تر از مقدار t به دست آمده در جدول در درجه آزادی ۲۷۵ با اطمینان ۹۹/۹ درصد (۳/۲۹۱) است.

نتایج نشان می دهد که ارزشیابیهای برنامه درسی (۱۳۸۸) در هدفهای ارزشی / نگرشی برنامه درسی درس تفکر و سبک زندگی به طور معنادار کمتر از حد قابل قبول تحقق یافته است؛ همچنین جدول ۵ نشان می دهد که مقدار t محاسبه شده به طور معنادار بزرگ تر از مقدار t به دست آمده در جدول با درجه آزادی ۲۷۵ و در سطح اطمینان ۹۹/۹ درصد (۳/۲۹۱) است.

جدول ۶. شاخصهای توصیفی مربوط به نمره های دانش آموزان از فرم مهارت سنج درس تفکر و سبک زندگی

شاخص	مقدار	شاخص	مقدار
تعداد	۴۸	درجه کجی	-۱/۲۹۵
میانگین	۱۰۵/۲۷	خطای معیار درجه کجی	۰/۳۴۳
خطای معیار میانگین	۱/۶۵۳	حداقل نمره	۶۵۴
میانه	۱۰۸	حداکثر نمره	۱۱۷
نما	۱۱۷	دامنه تغییرات	۵۲
انحراف معیار	۱۱/۴۵۵	میانگین ملاک	۱۰۹/۲
واریانس	۱۳۱/۲۲۳		

جدول ۷. شاخصهای آزمون t مربوط به مقایسه میانگینهای تجربی و ملاک نمره های فرم مهارت سنج

شاخص نوع میانگین	میانگین	تعداد	درجه آزادی	مقدار t محاسبه شده	نتیجه
تجربی	۱۰۵/۲۷	۴۸	۴۷	-۲/۳۷۶	$P < ۰/۰۵$
ملاک	۱۰۹/۲				

براساس داده‌های جدول ۶، مقایسه میانگین تجربی نمره‌های دانش آموزان از فرم مهارت‌سنج تفکر و سبک زندگی با میانگین ملاک (۷۰ درصد از کل نمره فرم مذکور) نشان می‌دهد که در هدفهای مهارتی برنامه درسی تفکر و سبک زندگی به طور معنادار کمتر از حد قابل قبول تحقق یافته است. همچنین داده‌های جدول ۷ نشان می‌دهد که مقدار t محاسبه شده به طور معنادار بزرگ‌تر از مقدار t مبین جدول در درجه آزادی ۴۷ با اطمینان ۹۵ درصد (۲) است. در نتیجه می‌توان گفت برنامه درسی قصد شده و کسب شده درس تفکر و سبک زندگی پایه هشتم با یکدیگر همخوانی ندارد. نتایج مصاحبه با متخصصان موضوعی نشان می‌دهد که بیشترین آسیب ناشی از انتخاب دو ساختار محتوایی مجزا یعنی آموزش تفکر و پژوهش و مهارت‌های زندگی است. دوره‌های توجیهی (آموزش ضمن خدمت) ضمن آنکه از کارایی لازم برخوردار نبوده، به لحاظ زمانی نیز کافی نبوده است. عدم برگزاری کارگاههای توجیهی برای معلمان این درس، کمبود نیروی انسانی متخصص برای آموزش معلمان در سطح استان و مناطق و کمبود بودجه برای گسترش آموزشهای ضمن خدمت معلمان در سطح مناطق آموزش و پرورش، واگذاری تدریس این درس به معلمان غیر مرتبط، عدم نظارت بر اجرای این درس و توجیه نبودن مدیران مدارس و کمبود منابع و وسایل مورد نیاز برای تدریس این ماده درسی را باید از دلایل عمده شکاف نسبی میان برنامه درسی قصد شده و کسب شده برشمرد.

سؤال چهارم پژوهش: الگوی مناسب برای کاهش فاصله بین برنامه درسی قصد شده، اجرا

شده و کسب شده برنامه درسی تفکر و سبک زندگی چیست؟

الگو یا مدل، نمایشی نظری و ساده شده از جهان واقعی است (دهقان و جلالی نیا، ۱۳۸۳). برخی نیز آن را به مثابه پیش نویس یا نموداری تعریف کرده اند که ساختار ادراکی یک چیز و راه مشخص انجام دادن یک عمل و رفتار را نشان می‌دهد (هومن، ۱۳۸۶). در این پژوهش الگوی مناسب برای کاهش فاصله میان برنامه درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده، نوعی نمودار گرافیکی و توضیحی است که ساختار ادراکی و نظری از سه برنامه درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده و رفتارهای معین اجرایی برنامه‌ریزان درسی و تولیدکنندگان بسته آموزشی و عوامل

اجرایی (مدیران ستادی، میانی، صف و مربیان) است که اقدامات ضروری برای پرکردن شکاف میان این برنامه‌ها را نشان می‌دهد.

براساس یافته‌های تحقیق از نظرات کارشناسان و متخصصان برنامه درسی درس تفکر و سبک زندگی، یافته‌های تحقیق از دیدگاه‌های مربیان و مشاهدات کلاس درس از عملکرد دانش آموزان می‌توان گفت الگوی مناسب برای اجرای برنامه درسی درس تفکر و سبک زندگی در مدارس می‌بایست ضمن انتخاب موضوعات میان- رشته ای در برنامه قصد شده و تلفیق دو بخش تفکر و مهارت‌های زندگی با یکدیگر و استفاده از مضامین میان- رشته ای از مشکلات اجرایی این برنامه و سردرگمی معلمان در تدریس و ارزشیابی از آموخته‌های فراگیران به میزان زیادی کم کرد. ایجاد مرز میان محتوای بخش آموزش تفکر و موضوعات سبک زندگی و همپوشانی ناچیز میان این دو سبب ناهماهنگی میان این دو بخش از کتاب و بروز مشکلات اجرایی شده است. از سویی نیز مدارس با محدودیت نیروی انسانی متخصص و ماهر در تدریس این درس روبه‌رو هستند. نداشتن تخصص مربیان تربیتی در تدریس، حجم زیاد محتوا، نداشتن طرح درس، کمبود منابع برای تدریس و یادگیری نه تنها مشکلات اجرا را زیاد کرده است، بلکه تدریس این درس را با مشکلات بسیار مواجه نموده و شکاف میان برنامه درسی اجرا شده، قصد شده و کسب شده را افزایش داده است. همین امر موجب شده است که دستیابی به اهداف قصد شده برنامه درسی در مواردی کمتر از حد قابل قبول (متوسط) و در بیشتر موارد در حد متوسط امکان پذیر شود.

بحث و نتیجه‌گیری

در پاسخ به سؤال اول پژوهش "تا چه اندازه بین برنامه‌درسی اجرا شده و قصد شده درس تفکر و سبک زندگی پایه هشتم همخوانی وجود دارد؟" با توجه به داده‌های جداول ۱، ۲ و ۳ و تجزیه و تحلیل داده ها می توان این‌گونه نتیجه گرفت که برنامه درسی قصد شده درس تفکر و سبک زندگی پایه هشتم با برنامه درسی اجرا شده همخوانی اندکی با هم دارند. دلایل این ناهمخوانی را باید در عدم درک معلمان از اهداف برنامه، تلفیق دو موضوع مختلف در یک کتاب و ناتوانی معلمان در درک دلایل انتخاب ساختار سه وجهی برای محتوا، دشواری برخی از دروس و عدم تناسب آنها با سطح درک و فهم فراگیران، ناتوانی معلمان در درک دلایل، کم توجهی به علایق و نیازهای فراگیران و واقعیتهای اجرایی در مدارس دانست. البته این مشکل در بخش تفکر و پژوهش چشمگیرتر است. نتایج به دست آمده در پاسخ به سؤال اول تحقیق با بررسی کریمی و فکری (۱۳۹۲) همخوانی دارد.

در پاسخ به سؤال دوم پژوهش "تا چه اندازه بین برنامه درسی کسب شده و اجرا شده درس تفکر و سبک زندگی پایه هشتم همخوانی وجود دارد؟" با توجه به فراوانی عملکرد نسبتاً موفق دانش آموزان در دستیابی به اهداف حیطه تفکر و تعقل، باور و اعتقاد، مهارت و ارزشهای اخلاقی عملکردی و اخلاقی و تجزیه و تحلیل این داده‌ها می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که برنامه درسی اجرا شده درس تفکر و سبک زندگی پایه هشتم با برنامه درسی کسب شده در حد قابل قبولی با هم همخوانی دارند. دلایل این همخوانی در حد قابل قبول را باید در موثر بودن نسبی دوره ضمن خدمت، در دسترس بودن برخی از امکانات آموزشی در مدارس مجری، توجه نسبی به راهبردهای تدریس و قابلیت حصول نسبی برخی از اهداف در حیطه‌های تفکر و تعقل، باور و ایمان، علم و آگاهی، عمل و رفتار و اخلاق، تناسب بیشتر اهداف جزئی دروس با سطح سنی فراگیر، علاقه دانش آموزان به تحقیق و جستجوگری، جاذبه اینترنت، علاقه دانش آموزان به موضوعات ارزشی و اخلاقی و موثر بودن این نوع از آموزشها دانست. نتایج به‌دست آمده در پاسخ سؤال دوم تحقیق با پژوهش تورانی (۱۳۹۳) همخوانی دارد.

در پاسخ به سؤال سوم پژوهش "تا چه اندازه بین برنامه درسی کسب شده با قصد شده درس تفکر و سبک زندگی پایه هشتم همخوانی وجود دارد؟" با توجه به فراوانی و تجزیه و تحلیل داده‌های جداول ۴، ۵، ۶، و ۷ می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که برنامه درسی کسب شده درس تفکر و سبک زندگی پایه هشتم با برنامه درسی قصدشده در حدی کمتر از قابل قبول با هم همخوانی دارند. دلایل این ناهمخوانی کم، عبارت اند از: انتخاب دو ساختار محتوایی مجزا یعنی (آموزش تفکر و پژوهش و مهارتهای زندگی)، عدم تناسب برخی از دروس برنامه تفکر و پژوهش با توانایی دانش‌آموزان، نو بودن برنامه و تسلط نه چندان قابل قبول مربیان در درک محتوا و شیوه‌های تدریس و ارزشیابی، تدریس محتوا از سوی دبیران غیرمرتبط با هدف پرکردن ساعات تدریس هفتگی، عدم برگزاری کارگاههای توجیهی برای معلمان این درس، کمبود نیروی انسانی متخصص برای آموزش معلمان در سطح استان و مناطق و کمبود بودجه برای گسترش آموزشهای ضمن خدمت معلمان در سطح مناطق آموزش و پرورش، عدم نظارت بر اجرای این درس، توجیه نبودن مدیران مدارس و کمبود منابع و وسایل مورد نیاز برای تدریس این ماده درسی. نتایج این پژوهش با تحقیق اسماعیل‌زاده و همکاران (۱۳۹۲) و تورانی (۱۳۹۳) همخوانی دارد. در پایان با توجه به نتایج حاصل از سه سؤال پژوهش می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که میزان شکاف و ناهمخوانی میان برنامه درسی قصد شده و اجراشده و قصد شده و کسب شده کمتر از حد قابل

قبول و میان برنامه درسی اجرا شده و کسب شده در حد قابل قبول است. برای کاهش این شکاف نسبی نیاز به بهره‌گیری دست اندرکاران از یک الگوی نظری - عملیاتی است که براساس آن، معاونت‌های پژوهشی، پرورشی و آموزشی به تعهدات و وظایف قانونی خود عمل کنند. پیشنهاد‌های پژوهشگر و همکاران در جهت پر کردن این شکاف عبارت اند از:

برنامه درسی اجرا شده	اقدامات اجرایی برای کاهش شکاف ۱. توجه به اصول یازده گانه سند برنامه درسی ملی به ویژه نیازهای مشترک فراگیران، جامعه ملی، نیازهای محلی و نیازهای فردی ۲. توجه به واقعیت‌های اجرایی در مدارس ۳. طراحی برنامه درسی تفکر و سبک زندگی به صورت تلفیقی و درهم تنیده کردن دو بخش تفکر و سبک زندگی با توجه به اصل یکپارچگی و با استفاده از مضامین میان- رشته ای ۴. تولید بسته آموزشی برای معلمان و دانش آموزان در حد مطلوب و توزیع در مدارس	برنامه درسی قصد شده
برنامه درسی کسب شده	اقدامات اجرایی برای کاهش شکاف ۱. آموزش مربیان و معلمان و گسترش دوره های ضمن خدمت در سراسر کشور و آشنا کردن معلمان با عناصر برنامه (اهداف، محتوا، روش تدریس، شیوه ارزشیابی و مواد آموزشی برای تدریس موثر) ۲. ارزیابی کارآمدی دوره های ضمن خدمت و اطمینان از موثر بودن این دوره ها ۳. نظارت در به کارگیری مربیان دوره دیده در کلاسهای درس ۴. تجهیز مدارس به بسته های آموزشی ۵. نظارت دوره ای و مداوم بر عملکرد معلمان در کلاس درس و دادن بازخورد به معلمان	برنامه درسی اجرا شده
برنامه درسی کسب شده	اقدامات اجرایی برای کاهش شکاف ۱. شناخت اهداف برنامه درسی در حیطه های پنجگانه تربیتی از سوی معلمان ۲. مطالعه راهنمای معلم و شیوه تدریس هردرس و دانسته‌های تکمیلی برای معلمان در هردرس قبل از تدریس و استفاده از طرح درس، ارائه جذاب درس با توجه به تجارب دانش آموزان ۳. بهره گیری معلمان از نرم افزارهای الکترونیکی، فیلمها و کلیپهای آموزشی تهیه شده و نظارت مدیران بر استفاده معلمان	برنامه درسی قصد شده

	۴. دریافت بازخورد ازدانش آموزان بعد از پایان هردرس انجام ارزشیابیهای کلاسی ماهانه و پایان نیمسال از سوی مربیان ۵. ارزیابی و نظارتهای دوره ای از میزان سواد و مهارت معلمان ازسوی مسئولان در سطح منطقه، استان یا کشور و برگزاری کلاسهای دوره ای برای معلمانی که عملکردضعیفی از خود نشان می دهند و تشویق مربیان کارآمد	
--	--	--

• در راهنمای معلم برنامه درسی تفکر و سبک زندگی پایه هشتم تنها به ذکر صلاحیت معلمان به طور کلی در قالب صلاحیتهای اجرایی، انتخاب گری و طراحی اشاره شده است که به نظر می رسد این مهم نیاز به تبیین کامل تر دارد و لازم است که دلایل ارائه محتوا در قالب الزامی، اختیاری و انتخابی نیز برای مربیان به خوبی تشریح شود.

• ضروری است میان سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی و معاونت آموزشی و پرورشی که مسئولان این برنامه درسی هستند همکاری و تعامل بیشتری برای انجام دادن تعهدات قانونی برقرار شود.

• ضرورت دارد که بخشی از مطالب و محتوای کتاب درسی در نظر گرفته شده درس تفکر و سبک زندگی از نظر تناسب با سطح شناختی، علاقه مندی دانش آموزان، کاربرد در زندگی روزمره، جاذب بودن برای دانش آموزان و سودمندی برای آینده زندگی آنها بازنگری شود.

منابع

- احمدی، غلامعلی. (۱۳۸۰). بررسی میزان همخوانی و هماهنگی بین سه برنامه قصد شده، اجرا شده و کسب شده در برنامه جدید علوم دوره ابتدایی. گزارش طرح پژوهشی، پژوهشکده تعلیم و تربیت، تهران.
- اسماعیل‌زاده، علی‌اصغر؛ مطلبی‌فرد، علیرضا؛ سلطانی، مهدی و دستا، مهدی. (۱۳۹۲). برنامه مهارت‌های زندگی در ایران، امریکا، کانادا، هند، مالزی و ویتنام: یک مطالعه تطبیقی. فصلنامه مطالعات برنامه درسی، ۸(۳۱)، ۱۲۵-۱۵۴.
- برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۱). تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، وزارت آموزش و پرورش.
- تورانی، حیدر. (۱۳۹۳). ارزشیابی از بسته آموزشی برنامه درسی تفکر و سبک زندگی پایه هفتم. گزارش طرح پژوهشی. پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، تهران.
- حسینی، محمد. (۱۳۹۰). ارزشیابی برنامه درسی قرآن دوره ابتدایی. گزارش طرح پژوهشی. پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، تهران.
- دهقان نیری، ناهید و جلالی نیا، احمدعلی. (۱۳۸۳). نظریه پردازی و نظریه‌های پرستاری. تهران: نشر بشری.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، وزارت آموزش و پرورش. تهران.
- فتحی و اجارگاه، کوروش. (۱۳۸۸). اصول برنامه‌ریزی درسی. تهران: انتشارات ایران زمین.
- کردنوقایی، رسول و شریفی، حسن پاشا. (۱۳۸۴). تهیه و تدوین برنامه درسی مهارت‌های زندگی برای دانش‌آموزان دوره تحصیلی متوسطه. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۱۲(۴)، ۱۱-۳۴.
- کریمی، فریبا و فکری، سعیده. (۱۳۹۲). سنجش مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان پایه اول متوسطه. فصلنامه آموزش و ارزشیابی، ۶(۲۲)، ۷۳-۸۵.
- معافی، محمود و رون، سیدامیر. (۱۳۸۷). مبانی علمی برنامه درسی آداب و مهارت‌های زندگی. دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی. کمیته ارتقای آداب و مهارت‌های زندگی، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، تهران.
- هومن، حیدر علی. (۱۳۸۶). شناخت روش علمی در علوم رفتاری. تهران: سمت.
- Glatthorn, A.A., Boschee, F.A., Whitehead, B.M., & Boschee, B.F. (2009). *Curriculum leadership: Strategies for development and implementation* (2nd ed.). Thousand Oaks: Sage.
- Johansson, M. (2003). Textbooks in mathematics education: A study of textbooks as the potentially implemented curriculum. Licentiate thesis, Department of Mathematics, Lulea University of Technology, Sweden.
- Robitaille, D.F., Schmidt, W.H., Raizen, S.A., McKnight, C.C., Britton, E., & Nicol, C. (1993). *TIMSS monograph no. 1: Curriculum frameworks for mathematics and science*. Vancouver, Canada: Pacific Educational Press.
- Robitaille, D. F., & Taylor, A. R. (2000). *TIMSS Canada Report, Vol. 5: New findings for a new century*. Vancouver: Department of Curriculum Studies, University of British Columbia.

Schmidt, W.H., Raizen, S.A., Britton, E.D., Bianchi, L.J., & Wolfe, R.G. (1997). *Many visions, many aims: A cross-national investigation of curricular intentions in school science*. Dordrecht, The Netherlands: Kluwer.